

نشست زن و پوشش

آیت‌الله شیخ علی رضایی تهرانی

مدرسه علمیه امام خمینی (ره) خواهران، بندر امام خمینی (ره)

۱۴۰۲/۰۹/۲۵ هجری شمسی

۱۴۴۵/۰۶/۰۲ هجری قمری

«أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ»
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

«الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ وَالسَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ الْأَعْظَمِ وَتَبِيحَةُ الْعَالَمِ هَادِي السُّبُلِ وَمُنْجَى الْبَشَرِ سَيِّدِنَا وَمَوْلَانَا حَبِيبِ إِلَهِ الْعَالَمِينَ أَبِي الْقَاسِمِ الْمُصْطَفَى مُحَمَّدٍ وَعَلَى آلِهِ الطَّيِّبِينَ الطَّاهِرِينَ الْمَعْصُومِينَ الْمُكْرَمِينَ وَاللَّعْنُ الدَّائِرُ عَلَى أَعْدَائِهِمْ أَجْمَعِينَ مِنَ الْآنَ إِلَى قِيَامِ يَوْمِ الدِّينِ»

ایام سوگ و عزای سیده‌النساء فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) ان‌شاءالله به‌زودی زائر مرقد منورش در مدینه منوره باشیم به برکت صلوات بر محمد و آل محمد (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم).

معمولاً وقتی در ارتباط با ابعاد زندگی فاطمه زهرا (سلام‌الله‌علیها) سخن گفته می‌شود، به‌خصوص در جمع بانوان، تأکید بر عفت فاطمی صورت می‌گیرد.

تأکید هم تأکید درستی است؛ به‌هرحال اینکه خدای متعال به پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کوثر داده است، کوثر یعنی خیر کثیر و ما باید از آن بهره ببریم.

زمانی که رسول گرامی اسلام (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هنگامی که خدای متعال به او فاطمه را داده است، یعنی خیر کثیر داده است، یکی از وجوه این خیر کثیر این است که فاطمه الگوی نیمی از جامعه اسلامی است. نیمی از جامعه اسلامی که زنان امت پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) هستند، نیاز به الگو دارند، آن هم الگوی عملی. الگوی عملی در عفت فاطمه (سلام‌الله‌علیها) و سپس کسانی که فاطمی زندگی کردند.

بحث عفت زنان و بحث پوشش خانم‌ها از مباحثی است که گرچه از گذشته مطرح بوده؛ ولی در عصر اخیر، یعنی بعد از دوره مدرنیسم، بسیار موردتوجه قرار گرفته و مورد دقت اقوام مختلف واقع شده است. اصولاً ما در ارتباط با پوشش زن باید چه نگاهی داشته باشیم؟ چون مجلس، مجلس خواهرهاست و ایام هم ایام فاطمیه است، به نظر رسید باتوجه به مسائلی که در سطح کشور سال گذشته اتفاق افتاد، اگر ما بتوانیم یک بازخوانی نسبت به مسئله حجاب و پوشش زنان داشته باشیم و در این راستا از الگوی فاطمی الگوبرداری کنیم، شاید مناسب باشد.

من مستقیماً می‌پردازم به شبهاتی که در ارتباط با بحث پوشش زن مطرح است. این شبهات را با هم هم‌فکری کنیم و پاسخگویی کنیم که یقیناً همان‌طور که من مورد مراجعه هستم، شما بیش از من مورد مراجعه هستید.

یک خاطره نقل می‌کنم و بعد از خاطره وارد اصل بحث می‌شوم. ۲۴ سال است که من در دهه اول محرم، از محل زندگی به شیراز سفر می‌کنم. ما در دانشگاه شیراز بزرگ‌ترین هیئت دانشجویی را داریم. هیئت محبین اهل‌بیت (علیهم‌السلام) دانشگاهی است.

بسیاری از کسانی که شرکت می‌کنند، دانشجو هستند، اساتید دانشگاه هستند، البته از مردم شهر هم می‌آیند. جلسه دوم یا سوم محرم تعداد جمعیت بالای هفت هزار تا هشت هزار نفر است. در تاسوعا و عاشورا بین ۱۲ هزار تا ۱۴ هزار نفر جمعیت داریم. چند سال قبل شب عاشورا من بیست دقیقه در ارتباط با پوشش زن و حجاب زن صحبت کردم. سر مسئله این بود که داشتیم الگوهای عاشورایی را بیان می‌کردیم. به مناسبت عملکرد خاندان عصمت و طهارت، به‌خصوص زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) که نزدیک دروازه کوفه وقتی نان و خرما به آنها دادند، اینها پس دادند و زینب (سلام‌الله‌علیها) فرمود به ما پارچه بدهید که ما بیشتر خود را بپوشانیم؛ چون پارچه‌ها به

غارت رفته بود. به مناسبت ما یک بحث بیست دقیقه‌ای داشتیم.

چون مجلس، مجلس دانشگاهی بود، شرکت‌کنندگان ۳۰ درصد، ۳۵ درصد، ۴۰ درصد از بانوان اصلاً حجاب درست و حسابی نداشتند. آن شب که من صحبت کردم، فردا قبل از اذان ظهر که ما جلسه روز عاشورا را داشتیم، رئیس هیئت به من گفتند: حاج آقا یک پدیده‌ای پیش آمده است. گفتم پدیده چیست؟ گفتند تا الان یک نفر خانم که حجابش نامرتب باشد، در مجلس نیست. من با آقای دکتر هادی (مسئول هیئت) گفتم حالا شما رصد کنید تا آخر جلسه ببینیم چه می‌شود. تا آخر جلسه هم نبود.

از در مسجد من بیرون آمدم و دیدم یک خانم و آقای هستند که این خانم وضعیت حجابش مرتب نیست. به بچه‌های هیئت گفتم بروید برسید اینها دیشب جلسه بودند یا نبودند؟ رفتند و سؤال کردند و مشخص شد دیشب جلسه نبودند. من از این جریان فهمیدم که ما در بحث حجاب و عفاف مقداری زیادی مشکل ضعف فرهنگ داریم. یعنی جامعه مخاطب یک رشته سؤالاتی دارد، پرسش‌هایی دارد یا تصورات و توهمات دارد که اینها پاسخ داده نشده است. اگر اینها پاسخ داده شود، مقدار زیادی از مشکل ما حل می‌شود.

ایرادات و اشکالاتی که در ارتباط با حجاب وجود دارد را بیان می‌کنم و پاسخ‌های اجمالی ارائه می‌دهم تا به عنوان سلاخی در دست شما باشد. اصولاً اگر روزی در کشور ما حجاب و عفاف به درستی اجرا شود، خانم‌ها باید جلودار باشند، نه آقایان. اگر خانم‌ها جلودار باشند، کار پیش می‌رود.

اولین ایرادی که به حجاب گرفته می‌شود این است که می‌گویند حجاب مخالف آزادی زن است. بالاخره هر انسانی آزادی را دوست دارد و حجاب مخالف آزادی است.

پاسخ اول، هر آزادی مطلوب نیست؛ در هیچ کجای دنیا هم ما آزادی مطلق نداریم. شما هیچ کجای دنیا آزادی مطلق ندارید. پس بشر این را پذیرفته که هر آزادی مطلوب نیست.

پاسخ دوم، آزادی از نوع غربی یعنی بردگی جنسی زن؛ اکنون سالیان سال است که بالاترین درآمد در سطح دنیا، درآمد قاچاق انسان است. از درآمد انرژی بالاتر است، از درآمد طلا بالاتر است. بالاترین درآمد، درآمد قاچاق انسان است و قاچاق انسان یعنی قاچاق دختران کم‌سن و سال از مناطق محروم دنیا به مناطق دارای رفاه برای بهره‌کشی جنسی. پس ما داریم ثمره این آزادی غربی را جلوی چشمان می‌بینیم. نیاز به گزارش نیست. همه گزارشاتی که درآمد سالیانه دنیا را تبیین می‌کند، این مطلب را دارند، که چطور با بهره‌کشی از این جنس ضعیف و مستضعف در دنیا رقم‌های کلانی به جیب کارتل‌های اقتصادی می‌رود.

پاسخ سوم، ما آزادی را درجه‌بندی می‌کنیم.

آزادی‌های فرادستی و آزادی‌های فرودستی. انسان عاقل برای رسیدن به آزادی‌های فرادستی، از بخشی از آزادی‌های فرودستی چشم‌پوشی می‌کند. مثال: این خانم ۱۰۰ کیلوگرم وزن دارد. با این وزن، شوهر مطلوب نصیبش نمی‌شود. رژیم می‌گیرد که بشود ۷۰ کیلوگرم. پرهیزانه می‌گیرد؛ یعنی چه کار می‌کند؟ یعنی یک رشته آزادی‌های خودش را محدود می‌کند برای رسیدن به یک هدف بالاتر. شیرینی نمی‌خورد، بستنی نمی‌خورد، برنج نمی‌خورد، نان زیاد نمی‌خورد، مواد قندی نمی‌خورد، ورزش می‌کند، گرسنگی می‌کشد. چرا خود را محدود کرد؟ چون یک هدف والاتری در نظر دارد، می‌خواهد به آن برسد.

در ارتش، در سپاه، در نیروهای امنیتی ما آزادی نداریم. تعبیر مردم چیست؟ ارتش چرا آزادی ندارد؟ سرباز دوست دارد آزاد باشد، هر کاری می‌خواهد بکند. ولی بشر دیده با ارتشی که آزادی در آن حاکم باشد، بار جنگ برداشته نمی‌شود. یک رشته آزادی‌ها را فرومی‌کاهد تا به آزادی‌های بالاتر دست پیدا کند. دین هم می‌گوید زن و مرد در پوشش باید خود را کنترل {و واپایش} کنند تا به یک رشته آزادی‌های دیگر دست پیدا کنند. اشکال دوم، می‌گویند اگر ما برای خانم قائل به پوشش و حجاب باشیم، فعالیت‌ها رکود پیدا می‌کند. شما دست و پای نیمی از جامعه را می‌بندید.

فعالیت‌های یک کشور، فعالیت‌های یک منطقه کاهش پیدا می‌کند، رکود پیدا می‌کند.

اولاً، نظر اسلام خودنمایی نکردن است، نه خانه‌نشینی. این دو مطلب است. اسلام نمی‌گوید زن خدرنشین و خانه‌نشین باشد، هیچ کاری بیرون خانه نکند. نه، آنچه که مهم است این است که زن جلوه‌گری نکند، خودنمایی نکند که مایه فساد شود.

ثانیاً، اگر با حجاب نیمی از جامعه می‌خواهد فلج شود، با خودنمایی و برهنگی همه جامعه فلج می‌شود. نیمی از جامعه دنبال تبرج، نیمی از جامعه هم دنبال استفاده است. نیمی از جامعه می‌خواهد خودنمایی کند، جلوه‌گری کند، با برهنگی. نیمی از جامعه هم مشغول می‌شود. همه جامعه فلج می‌شود.

خیلی جالب است بدانید در خیلی از کارگاه‌ها و کارخانه‌ها و مراکز علمی در دنیا، حجاب ضروری است. یعنی صاحب کارخانه لباس تعریف کرده برای این خانم. یک جزء این لباس نباید کم شود. می‌گویند من می‌خواهم در کارخانه راندمان کاری بیاید بالا. تو اگر برهنگی کردی، کارگر من کار نمی‌کند و این امروزه در آلمان، فرانسه، اروپا، در آمریکا فراوان مصداق دارد. پس اگر با حجاب شما می‌گویید نیمی از جامعه فلج می‌شود، با بی‌حجابی همه جامعه فلج می‌شود.

ثالثاً، در این میان، بحث خانه‌نشینی مورد بی‌مهری قرار گرفت. تعبیر دیگر خانه‌نشینی، شوهرداری و فرزندپروری است و این بالاترین اشتغال است که جایگزین هم ندارد. الآن که من اینجا دارم برای شما صحبت می‌کنم، می‌توانست به جای من یک خانم بنشیند و همین حرف‌ها را بزند. امروزه ما خانم خلبان داریم که هواپیما را می‌رانند. هر کاری را اگر مرد و زن بتوانند بارش را بردارند، بخشی از کارها مخصوص زن است. مرد از عهده آن کار بر نمی‌آید، از جمله فرزندپروری. من اصلاً فرزندپروری برایم ممکن نیست.

بگذارید یک خاطره بگویم؛ من هنوز معمم نبودم، عبا و عمامه نداشتم. داشتم از تهران می‌رفتم مشهد. آن موقع سفرها عمدتاً با اتوبوس بود. سوار اتوبوس که شدیم، دیدیم بغل ما یک جوان حزب‌اللهی یک بچه نوزاد هم دستش است. ماشین که حرکت کرد، گفتم ببخشید اگر شما بلیت خانمتان عقب است، من می‌روم جای ایشان می‌نشینم، ایشان بیاید بغل شما بنشیند. گفت نه حاجی، من تنها هستم. تعجب کردم. نوزاد پنج یا شش ماهه با یک مرد {همراه} می‌شود؟ گفتم شما تنهایی؟ گفت بله. گفتم مادرش؟ گفت مادرش گذاشته رفته. حالا طلاق بوده، قهر بوده، من نمی‌دانم. سکوت کردیم. ما شبانگاه بود، سوار ماشین بودیم. قدیم ماشین یک مقدار که می‌رفت، می‌ایستاد یخ می‌گرفت و شاگردشوفر از این کارها می‌کرد. ماشین ایستاد یخ بگیرد. من دیدم آقا پرید پایین، از این دکه‌ای که آنجا بود، یک نوشابه کوکا گرفت. از این شیشه‌ها، آن موقع از این پلاستیکی نیامده بود. درش را باز کرد، نصفش را خورد. دستش را گذاشت سر شیشه، تکان داد، تکان داد، گازش را گرفت، ریخت در شیشه بچه! من داشتم نگاه می‌کردم. آمد بالا. گفتم ببخشید شما به بچه‌تان کوکا می‌دهید؟ گفت حاج آقا، ننه بچه وقتی آقا باشد، بهتر از این نمی‌شود. حرف درستی است.

مادر مقام معظم رهبری کم کار کرده با پرورش آقا سید علی؟ مادر حاج قاسم سلیمانی کم کار کرده با پرورش حاج قاسم سلیمانی؟ مادرهای قدیم، من مادرم دوازده بچه‌زایید، دو فرزند فوت کردند، ده فرزند مانده‌اند. با امکانات آن زمان! نه پوشکی، نه پمپری بوده است. ده تا بچه را بزرگ کردند. خانه‌نشینی معنایش خانه‌نشینی نیست. یک کار فوق فوق تخصصی که اگر می‌خواستند بابت این کار حقوق بدهند، در عصر امروز ما باید ماهی ۱۰۰ میلیون تومان به این خانم می‌دادند که ۲۴ ساعت بتواند یک شوهر را، مخصوصاً اگر غرغرو هم باشد، با چند تا بچه تربیت کند و بالا بیاورد.

حالا از دید دیگری هم نگاه کنیم. ببینید، در جامعه‌ای که چندین میلیون جوان آماده‌به‌کار بیکار است، حالا من بیایم زن را از آن وظیفه اصلی خانه‌داری‌اش بیرون بکشم و به او شغل بدهم، آن هم شغل‌های سخت. جوان مملکت بیکار است. خانم را بفرستم راننده تریلی شود؟ خلاف عقل است. خلاف فطرت زن است.

اشکال سوم، گفتند «الْأَنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَانِعٍ مِنْهُ»^۱. هر چیزی را جلوی بگیری، آدم بیشتر حرص می‌زند. تا سکه کم می‌شود، همه می‌روند در صف سکه. تا دلار می‌خواهد گران شود می‌رود در صف دلار. اشکال این است که می‌گویند بیایید یک کمونیسم جنسی ایجاد کنید، التهاب کم می‌شود. وقتی در دست هر کسی هر چیزی بود، معیارها برداشته شد. یعنی اگر جامعه شد جامعه حیوانی، ما در جامعه حیوانی ازدواج نداریم. کمونیسم جنسی است. ما بیایم حجاب را برداریم. چرا؟ این «الْأَنْسَانُ حَرِيصٌ عَلَى مَانِعٍ مِنْهُ» برداشته شود.

اولاً، به تعبیر مرحوم شهید مطهری، این نگاه عشق را می‌میراند و طبیعت را هرزه می‌کند. یعنی واقعاً و حقیقتاً انسان تبدیل به حیوان می‌شود. انسان به عشق انسان است و این نگاه عشق را از بین می‌برد. ثانیاً، تجربه نشان داده التهاب‌ها نمی‌خوابد. بیشتر می‌شود، فقط تنوع تغییر می‌کند. امروزه شما در غرب نگاه کنید، می‌بینید تنوع کامجویی‌ها زیاد شده، التهاب‌ها نخوابیده، التهاب‌ها سر جایش است. آماری که ما فقط از لندن در ارتباط با تجاوزات جنسی داریم، سر انسان سوت می‌کشد. لندن جزو مناطقی است که از گذشته همه چیز در این شهر آزاد بوده است. اولین شهری است که در آنجا همجنس‌بازی قانونی شد. التهاب‌ها نخوابیده است. به تعبیر مرحوم شهید مطهری، در جایی فرمودند کمونیسم جنسی بشر را تنوع‌پذیر می‌کند؛ ولی غریزه جنسی را مدیریت نمی‌کند.

ثالثاً، من یک مثال برایتان بزنم؛ شما یک غذای خوشمزه‌ای را خوردید، سیر شدید. یکی می‌آید به شما می‌گوید این قرص را بگیر بخور. بخورم چه می‌شود؟ می‌گوید این قرص را بخوری، احساس گرسنگی می‌کنی. باز هم می‌خوری. شما قرص می‌گیری، می‌خوری، باز هم تمام می‌شود. یکی دیگر می‌آید می‌گوید این کپسول را بگیر بخور. بخورم چه می‌شود؟

می‌گوید بخوری، احساس گرسنگی می‌کنی. باز هم می‌خوری. می‌گوید ترکیدم، سیر شده‌ام. می‌گوید نه تو احساس گرسنگی کن و هی پرخوری کن.

نگاه جامعه غربی به حجاب این است. می‌گوید خودنمایی، جلوه‌گری هرچه بیشتر، کامجویی هرچه بیشتر. این التهاب، التهاب کاذب است، التهاب صادق نیست. یعنی چه؟ دین می‌گوید غریزه باید سیر شود؛ ولی به شرطی که گرسنگی کاذب نداشته باشد. شما می‌روید اروپا، آمریکا، از در فرودگاه که وارد می‌شوید، درودیوار دارد شما را دعوت می‌کند به مسائل ناهنجار جنسی. چرا؟ این بی‌عقلی است که من هی قرص اشتهاآور بخورم، هی بخورم، هی قرص اشتهاآور بخورم، هی بخورم.

همان‌طور که در مورد غریزه خوردن چنین است، در مورد غرایز دیگر هم همین است. نگاه، نگاه باطلی است. لذت‌جویی باید هدفمند باشد.

اشکال چهارم، اینکه می‌گویند بی‌حجابی و آرایش مصداق تمیزی است. من از خیلی از خانم‌ها شنیدم. تمیزی هم در اسلام سفارش شده است: «التَّطَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ ۲».

خانمی می‌گفت: آقا، من کارمند هستم، زیاد عرق می‌کنم، عرق من هم بدبوست. خوب است آن آقای که کنار دست من است بوی عرق بشنود و دماغش را بگیرد؟ پس من باید ادکلن بزنم. پاسخ اول، هیچ ملازمه‌ای بین این دو نیست. خانم‌های باحجاب تمیز فراوان داریم، خانم‌های بدحجاب کثیف هم فراوان داریم. در اطرافیان‌تان شما می‌بینید. هیچ ملازمه عقلی بین این دو نیست که حالا اگر من بدحجاب بودم، بی‌حجاب بودم، برهنگی از خود نشان‌دادم، پس من تمیز هستم. اگر این خانم چادر داشت، موقر بود، این کثیف است؟ ثانیاً، همان اسلامی که گفته نظافت از ایمان است، گفته این نوع تمیزی را من نمی‌پسندم.

اینکه شما به اسم تمیزی آرایش کنی، زلف پریشان کنی، برهنگی از خود نشان‌دادن را نمی‌پسندم. شما دنبال دینی هستید که می‌گوید: «التَّطَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ».

مثال بزنم؛ یک آقای می‌گفت غسل و وضو یعنی نظام بهداشتی اسلام. چرا غسل می‌کنیم؟ تمیز شویم. چرا وضو می‌گیریم؟ تمیز شویم. گفتم این است؟ گفت بله. گفتم چرا وقتی آب در دسترس نیست، می‌گوید تیمم کن؟ یکی از مصادیق تیمم، تیمم به گل است. خاک پیدا نکردی، به گل تیمم کن. مصداق تمیزی است. نگو غسل و وضو یعنی نظام بهداشت که بعد تو تیممش گیر کنی. اسلام بخشی از آن تعبد است. به خانم گفته اگر برهنگی مصداق تمیزی است، این تمیزی مورد دیدگاه من نیست.

ثالثاً، آرایش مصداق تبرج است نه مصداق تمیزی. خیلی عجیب است. گاهی اوقات اخبار، بد منتقل می‌شود. ما برای خانم‌ها و آقایان غسل داریم. بالاخره همین نوعی پاکیزگی ایجاد می‌کند. کسانی که به غسل معتقد نیستند گاهی مدت‌ها می‌شود ضرورتی نمی‌بینند خودشان را بشویند. حتی در کشورهای غربی آمار هست. پس ملازمه‌ای بین تمیزی و بی‌حجابی نیست. چه اینکه در عمل هم می‌بینیم.

اشکال پنجم، ما شنیدیم از خانم‌ها می‌گویند: بی‌حجابی و آرایش مصداق شخصیت و کلاس است. هر عصری، هر زمانی اقتضائاتی دارد. اکنون مصداق کلاس است، مصداق بالاشهری بودن، مصداق باکلاس بودن است. اینکه من بدحجاب باشم، بی‌حجاب باشم، آرایش کنم، در حقیقت من با این پوشش و این آرایش می‌خواهم بگویم من متحجر نیستم، من اُمَل نیستم.

جواب اول، هیچ ملازمه‌ای نیست. من بندر امام بلد نیستم؛ ولی ما مشهد که هستیم، یک جایی داریم از محلات پایین‌شهر مشهد مقدس، ۷۰ یا ۸۰ درصد این بدحجاب‌های بالاشهر اتفاقاً آن دختران پایین‌شهر هستند. یعنی مربوط به بی‌کلاس‌ترین بخش‌ها به‌ظاهر. هیچ ملازمه‌ای نیست. ما محکم‌ترین حجاب‌ها را در مشهد مقدس در بالاشهر داریم که از بهترین مناطق و خوش‌نشین شهر است. هیچ ملازمه‌ای بین بدحجابی و آرایش با کلاس داشتن یا محجبه بودن و کلاس نداشتن وجود ندارد.

بدحجاب‌های فراوانی داریم که هیچ شخصیت اجتماعی و فردی ندارند و چون شخصیت فردی و اجتماعی ندارند، دارند تبرج می‌کنند. اساتید دانشگاه فراوان داریم، جراحان قابل در زنان فراوان داریم، اساتید فلسفه، منطق، فقه

فراوان داریم، دکترهای فراوان داریم که محجبه هستند. نگاه اسلام برای همه، چه مرد و چه زن، بر متانت، وقار، آبروداری و احترام است.

جواب دوم، حتی از دیدگاه خود بدحجابان، برهنگان و متبرجان، ایشان وقار و متانتشان از بین می‌رود. خدا مرحوم شهید مطهری را رحمت کند. در جایی نوشتند که اصلاً مستوری انتخاب زنان بوده است. زنان از قدیم، از قبل از یونان باستان به این نتیجه رسیده بودند که هرچه مستورتر باشند، مطلوب‌تر، معشوق‌تر و مورد توجه‌ترند. هرچه در دسترس باشند، هرچه برهنه باشند، هرچه مورد تمتع دیگران باشند، ذلیل‌ترند. جواب سوم، دین ما می‌گوید هیچ‌کس با حرام الهی شخصیت پیدا نمی‌کند. همان‌طور که در حرام شفا نیست، «{قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: {لَا شِفَاءَ فِي حَرَامٍ}» کسی با محرمات الهی شخصیت پیدا نمی‌کند.

ما قبل از این جلسه، جلسه دیگری داشتیم. در آن جلسه هم این آیه را خواندم: «{إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا}» اگر دنبال محبوبیتی، راهش ارتباط با خداست. نه برهنگی، نه کشف حجاب. خدا در دل محبت می‌گذارد و انسان را محبوب می‌کند. اشکال ششم، می‌گویند گناه مربوط به دل است، ظاهر که مهم نیست. بی حجاب باش، بدحجاب باش؛ ولی دلت پاک باشد.

اولاً، این‌گونه نیست؛ زیرا ظاهر در باطن تأثیرگذار است، باطن هم در ظاهر تأثیرگذار است. اصلاً قرآن می‌گوید اگر همین ظواهر را رعایت نکردی، آرام آرام کافر می‌شوی.

زینب کبری (سلام‌الله‌علیها) که افتخار زنان عالم است، جلوی یزید فرمودند می‌دانی چه شده که به اینجا کشیدی که مشروب بخوری و با لب و دندان اباعبدالله بازی کنی؟

«{منحنیاعلی} ثنایابی عبدالله {سیدشباب اهل الجنة} تنکتهای {بمخضرتك}!»

این آیه را خواندند که خدای متعال فرمود: «{كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ أَصَاءُ وَالسُّوْءَى أَنْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِئُونَ}».

به تعبیر بزرگان، مادیت اخلاقی به مادیت اعتقادی می‌کشد. این‌هایی که رفتند آن طرف آب، من با خیلی‌هایشان مرتبطم. یعنی در کانادا، در آمریکا، در لندن، جاهای مختلف دوستانی دارم. اینجا بوده، نماز شب می‌خوانده، آنجا رفته، اسلامش شده اسلام شناسنامه‌ای! روز اول که رفته، بی اعتقاد نبوده؛ بلکه یک خدا و پیغمبری را قبول داشته است. آرام آرام مادیت اخلاقی کشیده به مادیت اعتقادی. فراوان داریم کسانی که از طریق اینستاگرام بی دین شدند. یواش یواش نماز رفته، روزه رفته، حجاب رفته است.

حال بگویم ظاهر در باطن تأثیری ندارد! رضاشاه که آمد در این کشور، حجاب را از سر شما برداشت و لباس روحانیت را کند. یکی از مزدوران شاه یکی از بزرگان را خواسته بود. یک سرهنگی بود. گفته بود: حضرت آیت‌الله قبول داری لباس امر اعتباری است؟ و عمده وجود انسان است که شریف باشد. حالا چه در لباس من و چه در لباس تو؟ چرا این قدر تأکید دارید این عبا و عمامه باشد؟

ایشان فرمودند: درست است. من هم اول همین جوری خیال می‌کردم؛ ولی از بس شما تأکید می‌کنید این نباشد، معلوم می‌شود از این لباس و حجاب کار برمی‌آید؛ لذا اول کاری که مزدور انگلستان در ایران کرد، حجاب زنان را برداشت. باورتان نمی‌شود بعضی از زنان ما وقتی حجابشان در بازار کشیده شد، سگته کردند. این قدر برایشان مسئله سخت بود. پس نه! ظاهر در باطن تأثیرگذار است، باطن هم در ظاهر تأثیرگذار است. ثانیاً، هنجارشکنی آرام آرام تأثیر می‌گذارد.

شیطان آرام آرام نفوذ می‌کند. آندلس را یکباره که از دست ندادیم. طرف می‌گوید دلت پاک باشد، تو محکم باش. نمی‌گذارد شیطان که من محکم بمانم.

جواب دیگر که جواب مهم ما است، اصل مطلب غلط است. چه کسی گفته است دلت پاک باشد، ظاهر مهم نیست؟ شما طلبه هستید. در تعریف اسلام چه گفتند؟

«{الْإِيمَانُ تَصَدِيقُ بِالْجَنَانِ وَإِقْرَارُ بِاللِّسَانِ وَعَمَلٌ بِالْأَرْكَانِ}» داشته باشد، قلب باید اعتقاد داشته باشد و زبان باید

شهادتین بگوید و باید اهل عمل باشد. «{قَوْلُهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: {مَنْ تَرَكَ الصَّلَاةَ مُتَعَمِّدًا فَقَدْ كَفَرَ}» پیغمبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) فرمود عمداً کسی نماز نخواند، این در حکم کافر است. حالا خانم برهنه است، می‌گوید دلت پاک باشد. اصل این معادله، معادله غلطی است.

جواب چهارم، در سایر موارد این مطلب را می‌پذیریم؟ یک کسی هر روز شما را در خیابان ببیند، بزند، بعد بگوید قصد و غرضی ندارم، دلم پاک است. ارواح عمه‌ها! یعنی چه دلم پاک است؟ اموال شما را بخورد، بگوید قصد و غرضی نداشتم، در دلم چیزی نیست. حرکات خارجی است که دارد دل را حکایت می‌کند. من برهنه آمدم، صدها و هزاران جوان را آلوده کنم و بعداً بگویم نه! دلم پاک است. اصل این ادعا غلط است. اشکال هفتم، می‌گویند ما بدحجابی می‌کنیم، بی‌حجابی می‌کنیم، آرایش می‌کنیم، دیگران نگاه نکنند. مردها چشمشان هیز است، نگاه نکنند. آزادی است دیگر!

جواب اول، گفتیم هر آزادی مطلوب و مشروع نیست. ثانیاً، ما در جامعه اسلامی فرهنگمان این است:

{باشد که باز بینم دیدار آشنا را ۹}

کشتی‌نشستگانیم ای باد شرطه برخیز

در یک کشتی نشستیم پس نمی‌شود بگوئی من کار خودم را می‌کنم، دیگران نگاه نکنند؛ لذا است که همان دینی که خیلی جاها تسامح دارد، تساهل دارد، به محرمات اجتماعی که می‌رسد، شمشیر را از رو بسته است. مثال اینکه در خانه‌ات ۳۰ سال روزه‌خواری می‌کنی، کسی کار ندارد. اما ماه رمضان شده، در خیابان‌های بندر امام روز اول روزه‌خواری، حاکم شرع می‌گیرد شلاق می‌زند. بار دوم روزه‌خواری علنی می‌کنی، حاکم شرع می‌گیرد شلاق می‌زند؛ ولی بار سوم روزه‌خواری علنی کردی، حاکم شرع می‌گیرد اعدام می‌کند؛ چرا؟ چون دین می‌گوید من نسبت به بروز حرام شرعی حساسم. خدای متعال نسبت به بروز محرمات الهی حساس است. چرا؟

چون اصلاً یکی از طرفنها از قدیم این بوده است که صبح می‌آمدند به پیغمبر می‌گفتند: «آمَنَّا»، شب می‌گفتند:

«كَفَرْنَا»، فردا می‌گفتند «آمَنَّا»، و شب دوباره می‌گفتند «كَفَرْنَا»، چرا؟ می‌خواستند هنجارشکنی کنند. گهگاهی به آب‌های {سرزمینی} ما تعرض می‌کنند. یک‌بار ۱۳ ملوان انگلیسی آمده بود، آنها گفتند که اشتباه کردیم و قطب‌نما نشان نداده است. خیر! این چنین نیست آزمایش می‌کنند. خدای متعال نمی‌گذارد کسی با دینش آزمایش کند.

یک جوانی جلو من را گرفت، گفت این چه دینی است که ما داریم؟ گفتم چرا؟ گفت من نمی‌خواهم این دین را اما به من می‌گویند تو مرتدی، اعدام می‌کنند. گفتم این طور نیست. دینی که اولش که می‌خواهی بیایی داخلش، به تو می‌گوید برو تحقیق کن. نه تنها برو تحقیق کن، اگر رفتی که یک جایی خطرناک بود، حکومت اسلام باید از

تو دفاع کند. آیه قرآن است «لَإِنْ أَحَدٌ مِنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ كَلَامَ اللَّهِ ثُمَّ أَبْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ»؛

باید محافظت شود و به خانه‌اش برسد و تحویل خانواده‌اش بده او را. با اینکه مسلمان نشده؛ ولی درصدد تحقیق دین است. دین به تو می‌گوید اول برو تحقیق کن. در این تحقیقی که می‌کنی، به تو می‌گویند این دین، اگر بخواهی بازی دربیآوری، دین اجازه بازی به تو نمی‌دهد. بدحجابی بازی با دین خداست و ما کشتی‌نشستگانیم. در یک کشتی هستیم.

ثالثاً چرا دروغ می‌گویند؟ که خودم آرایش می‌کنم، دیگران نگاه نکنند؟ هر کس این را می‌گوید، دروغ می‌گوید. ده قلم آرایش می‌کند، دیگران نگاه نکنند؛ لذا پابه‌پای مُد پیش می‌رود. می‌بیند مد چیست، همان را انجام می‌دهد. چون آن الان مطلوب است و قبلی گذشت. پس اینکه ما بی‌حجابی می‌کنیم، دیگران نگاه نکنند، مثل کسی است که می‌گوید من می‌آیم تو خیابان، هیچ قاعده راهنمایی رانندگی را اجرا نمی‌کنم، دیگران مواظب باشند. نمی‌شود. زندگی اجتماعی قوانینی دارد.

اشکال هشتم، می‌گویند بدحجابی و آرایش گناه است؛ ولی یک گناه کوچک است. گناهان کوچک را همه به آن مبتلا هستند. حالا ما به بدحجابی مبتلا هستیم. حرفی که خودشان می‌زنند این جور نیست. تعبیرشان این است که می‌گویند خدا برای چهار لایح مو آدم را جهنم نمی‌برد. شنیدید دیگر!

جواب اول، حجاب حکم ضروری قرآن است. منکر اصل حجاب مرتد است و جرمش اعدام است. این قدر این مسئله ضروری دین ماست. مختص به شیعیان نیست، بلکه در همه مذاهب خمسۀ این چنین است پس حجاب ضروری قرآن است.

ثانیاً، برای کمتر از این حجاب، خداوند تعبیر «وَلِلَّهِ كُلُّ حُمْزَةٍ لَمْزَةً»^{۱۱}، با یک چشمک نابجا سی سال می‌خواهی هزاران جوان را آلوده کنی؟ گناه، گناه کوچکی است؟ روایت از امیرالمؤمنین (علیه‌السلام): «نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ أَنْ تَتَزَيَّنَ لَعِيزٌ وَجْهًا فَإِنْ فَعَلَتْ كَانَ حَقًّا عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُحْرِقَهَا بِالنَّارِ»

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) نهی کرد خانمی برای غیر شوهرش آرایش کند که اگر این کار را انجام بدهد، سزاوار است که خدا او را به آتش بسوزاند.

ثانیاً، همه فقها بدحجابی را گناه کبیره می‌دانند. یک فقیه نداریم که بگوید بدحجابی گناه صغیره است.

ثالثاً، این ثالثاً را دقت کنید خیلی مهم است.

گناه دو نوع است: حق الناس یا حق الله. بعضی از گناه‌ها هر دو هستند. بی حجابی هر دو است. یعنی هم حق الله پایمال شده است و هم حق الناس. چرا حق الناس پایمال شده؟ شما شوهری داری، داری با شوهرت زندگی می‌کنی، زندگی شیرین. این خانمی که هفت‌قلم یا هفتاد قلم آرایش کرده، در محیط کار دارد جلوی شوهر شما که همکار او است رژه می‌رود، دارد پایه‌های زندگی شما را سست می‌کند. پس حق الناس است.

خداوند {حجت الاسلام والمسلمین شیخ محسن} قرائتی را حفظ کند. مریض احوال است خدا ان شاء الله شفای عاجل و کامل به ایشان بدهد. ایشان می‌گوید من با بعضی از خانم‌های بدحجاب برخورد کردم. همراه شوهرش بود. به این خانم بدحجاب گفتم خانم، گفته بله. گفتم این شوهرت را دوست داری؟ گفته عاشقش هستم. گفتم این شوهر شما تصمیم گرفته ۹۰ درصد شما را دوست داشته باشد، ۱۰ درصد رفیق شما را. می‌گوید غلط کرده، یک چیزی هم خورده. بعد گفتم خانم، با این قیافه داری همین کار را می‌کنی. داری مردان جامعه را که یک زندگی آرامی دارند به هم می‌ریزی، به هم می‌پاشی. این همه در صفحه حوادث مگر ما نداریم؟

بدحجاب حق الناس را رعایت نمی‌کند چون دارد زندگی‌های دیگران را با عملکرد خودش تخریب می‌کند. بعد شما می‌گویید گناه صغیره است؟ در روایت معراجیه آمده است پیغمبر (سلام الله علیه) در شب معراج دید زانی را از موهایشان آویزان کردند، از سینه‌هایشان آویزان کردند؛ ایشان کسانی هستند که متبرج بودند ۱۳.

اشکال نهم، می‌گویند بدحجابی بد است، گناه کبیره است. آرایش بد است، گناه کبیره است، درست است؛ اما وقتی مافوق دستور می‌دهد چه کار کنیم؟ شوهر من می‌گوید باید با مانتو بیای بیرون، آرایش هم بکنی. چه کار کنم؟ مدیر کارخانه است، مسئول شرکت. اصلاً این کسانی که در هواپیما کار می‌کنند، خدمه هواپیما می‌روند آزمون بدهند، بخشی از آزمونشان همان زیبایی صورت است که این چقدر جذاب است برای این شرکت. می‌گوید مافوق دارد به من دستور می‌دهد. یا جو خانوادگی اجازه نمی‌دهد. یا پدرم دارد امر می‌کند. یا برادر بزرگم دارد اصرار می‌کند. اولاً، همه غلط کردند. خلاص!

قانون دین ما چیست؟

«لَا طَاعَةَ لِمَخْلُوقٍ فِي مَعْصِيَةِ الْخَالِقِ ۱۴»

این را یاد بگیریم. لا طاعة، لا نفی جنس است؛ یعنی هیچ طاعتی! مخلوق نکره در سیاق نفی است پس مفید عموم است؛ یعنی هیچ‌گونه اطاعتی از هیچ‌گونه مخلوقی در معصیت خالق پذیرفته نیست.

این شوهر به خانم می‌گوید من دوست دارم تو آرایش کنی بیایی بیرون. به صراحت باید بگوید چنین نمی‌کنم. من قبل از اینکه خانم شما باشم، عبدالله و {بنده خدا} هستم. پدر بزرگ تو به دنیا نیامده بود، پدر بزرگ من عبدالله بود.

موقعی هم که ما نماز میت می‌خوانیم، چه می‌گوییم؟ می‌گوییم خدایا، «عبدک وابن عبدک» یا «امتک وابنة امتک». بنده تو است. او کنیز خدا است. او برده و بنده خدا است.

ثانیاً، می‌گوید کارفرما و دیگران مسخره‌مان می‌کنند. می‌گوید ما از پیغمبر که بالاتر نیستیم. روز روشن جلوی

پیغمبر (صلی الله علیه و آله و سلم) می‌ایستادند، «وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ ۱۵». طلبگی خوانده

اید، «إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ» چهار تأکید دارد. یعنی تو حتماً، حتماً، حتماً دیوانه‌ای. یعنی چه؟ یعنی اینکه بعضی از مسخره‌کردن‌ها را باید برای خدای متعال و در راه او پذیرفت.

ثالثاً، تجربه شده است که بایستید، ورق عوض می‌شود. موردی داشتیم که یک دختر در یک خانواده بدحجاب ایستاد، همه را تحت تأثیر قرار داد. با ایستادگی جو عوض می‌شود.

رابعاً، اگر دیدید به هیچ وجه نمی‌شود، حفظ عفت ارزش دارد برای اینکه انسان بیکار بشود. هر جا رفت و دید با حجاب مشکل دارند، ضرورت ندارد بخواهی کاری بکنی که دین را از دست بدهی.

اشکال دهم، می‌گویند مشکل جسمی داریم. بنده زیاد شنیدم که می‌گویند حجاب سرم می‌کنم، احساس خفگی

می‌کنم. این اشکال معمولاً برای کسانی است که مثلاً اروپا زندگی کرده، آمریکا بوده، حالا ایران آمده است و عمری را بی‌حجاب زندگی کرده است.

اولاً، این برای همه نیست و فقط عده‌ای این حالت را دارند.

ثانیاً، همین هم تلقین است. شاهدش هم این است که همین خانم تو محیط کار باید لباس رسمی بپوشد، احساس خفگی نمی‌کند. بعضی جاها مجبور است لباس خاص تنش کند، احساس خفگی نمی‌کند. اینها تلقین شیطان است.

پوشش مهم است. در دین ما بر چادر تأکید نشده است. بنده مکه زیاد رفته‌ام. در مکه از همه جای دنیا و ملل اسلامی می‌آیند. در مکه پوشش خانم‌های مالزیایی یک‌جور، ژاپنی یک‌جور، اروپایی یک‌جور، عرب یک‌جور، عجم یک‌جور است. آنچه که از شما خواسته‌اند پوشش است، نه لزوماً حجاب چادر. چادر حجاب برتر است. نمی‌توانی چادر سرت کنی کسی از شما چادر نخواست است؛ ولی تبرج نکن، آرایش نکن.

اشکال یازدهم، این را هم زیاد شنیدم. می‌گویند این همه در کشور اختلاس و رشوه هست و بگیر و ببند است و حالا شما آمدید به حجاب گیر می‌دهید. به چند لایح موی خانم‌ها چسبیده‌اید.

اولاً، بسیاری از آنها ریشه در همین‌ها دارد. مرد وقتی بی‌غیرت شد، یک بخشش حجاب زن است، یک بخشش هم مال حرام می‌خورد، اختلاس می‌کند.

آقای عزیزان قائم مقام آستان قدس رضوی بوده است. بیست هزار میلیارد از پول‌ها و عتیقه‌های آستانه را برداشته است و فرار می‌کند و می‌رود! خبر خوشی داشتیم که اخیراً فرانسه پناهندگی‌اش را لغو کرده است. ان شاء الله بتوانیم او را برگردانیم.

این اول بی‌غیرت شده است. غیرت وقتی شکست، عفت وقتی شکست، چیزهای دیگر هم به تبعش می‌شکند. ثانیاً، چه ربطی به هم دارد؟ حالا چون اختلاس هست، حجاب نباشد؟ حالا چون اختلاس هست، رشوه‌خواری هست، عفت هم برود؟

ثالثاً، بررسی بکنید و من بررسی کردم. نود درصد این ناهنجاری‌ها برای کسانی است که اتفاقاً به همین ناهنجاری‌هایی مثل حجاب حساس نیستند. مثل در فارسی داریم می‌گوییم {تخم مرغ دزد شتر دزد} می‌شود. شیطان از همین جاها شروع می‌کند.

اشکال دوازدهم که به آن نپرداختم چون روشن بود این است که اصلاً حجاب خرافه است. یک بحثی داریم آن هم این است که انسان لباس دارد، کاری به زن و مرد هم نداریم. اینکه انسان لباس دارد و حیوان لباس ندارد، این برتری انسان است یا پست‌تر بودن انسان؟ در حیوانات که ما لباس نداریم. لباس مال من است. اینکه من انسان که خلیفه الله هستم، حیوان ناطق و مدرک کلیات هستم؛ رفتم به سمت لباس، این دلیل فرهیختگی من است. لذا قرآن کریم وقتی بحث لباس پیش می‌آید، به عنوان افتخار می‌گوید ما این لباس را به پیغمبران یاد دادیم. «وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لِّكَ لِيُحْصِنَكَ مِنْ بُأْسِ كَرِفٍ فَلَمْ أَنْتُرْ شَاكِرُونَ ۝۱۶». ما به داوود (سلام الله علیه) صنعت لبوس یاد دادیم. برهنگی رفتن به سمت جامعه حیوانی است. حیوانات که هستند و زندگی‌شان را هم دارند می‌کنند.

پوشیدگی، تستر، عفت، فضیلت اخلاقی است و جامعه‌ای که می‌رود به سمت برهنگی، عملاً دارد به سمت حیوانیت سوق پیدا می‌کند.

چون ایام فاطمیه است، پایان بخش سخن من این نکته باشد؛

ابن ام مکتوم بر پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) وارد شد. فاطمه (سلام الله علیها) نشسته بود، بلند شد و در اتاق رفت. پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) فرمود فاطمه جان، او نابینا است؛ ابن ام مکتوم مشهور است که از اصحاب کور پیغمبر (صلی الله علیه و آله وسلم) است. حضرت فاطمه (سلام الله علیها) دو جواب داد. یکی آن که فرمود پدر جان، او من را نمی‌بیند، من که او را می‌بینم.

ما گفتیم در حجاب، مردان هم باید حجاب داشته باشند. برخی فکر کردند حجاب فقط مخصوص زن‌ها است؛ خیر! مرد نیز نمی‌تواند هر لباسی بپوشد؛ زیرا فقها فتوا به حرمت دارند.

دوم حضرت زهرا (سلام الله علیها) عرض کرد ما زن‌ها گاهی یک بویی داریم. ممکن است او من را نبیند؛ اما بوی بدن من را می‌فهمد. من نخواستم بوی بدن من را بفهمد ۱۷.

پس «تَسْتَرُ وَتَعْفَفُ»، افتخار یک زن است.

دیدید این شبهه‌هایی که گفتیم، هیچ کدام منشأ عقلانی یا وحیانی نداشت. رسانه دارد روی ذهن جامعه ما کار

می‌کند.

یک دوستی دارم. ایشان عیال اولش یا دومش آمریکایی است. دکتری روان‌شناسی دارد. آمریکا زن گرفته است. ایشان می‌گفت یک نسل قبل در آمریکا همه سرپوشیده بودند. گفت مادرزن من هنوز جلوی من روسری سرش می‌کند. برهنگی مال قرن اخیر است. آن هم پنجاه یا شصت یا هفتاد سال قبل است. قبل از آن ما در هیچ جامعه‌ای برهنگی نداشتیم و این یقیناً بیماری است. این‌هایی که می‌گویند حجاب را آزاد کنید در کشور، اولین سؤال این است که تا کجا؟ درش را باز کردیم، تا کجا برویم؟ خیال می‌کنی روسری را برمی‌دارد، فردا دیگر لباس تنش می‌کند؟ چه اینکه در جوامع غربی نمی‌کنند و جامعه شده اینکه آمار داشتیم، در هر دقیقه ما در لندن چند تجاوز به عنف داریم.

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی

چرا عاقل کند کاری که باز آرد پشیمانی ان‌شاءالله منصور، موید و همیشه سرفراز باشید. امیدوارم ان‌شاءالله خدای متعال بهترین‌ها را روزی جامعه ما کند. غیرت علوی و عفت فاطمی به مردان و زنان ما عنایت کند.

«صَلُّوا عَلٰی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.»

فهرست منابع

۱. جمله مشهور است و روایت نیست؛ برای اطلاع بیشتر رک به مجلسی، محمد تقی، روضه المتقین فی شرح من لا یحضره الفقیه، محقق و مصحح: موسوی کرمانی، سید حسین، اشتهاردی، علی پناه، ج ۴، ص ۴۰۵، مؤسسه فرهنگی اسلامی کوشانیور، قم، چاپ دوم، ۱۴۰۶ق؛ شیخ حر عاملی، اثبات الهداء بالنصوص والمعجزات، ج ۱، ص ۴۳، اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۲۵ق؛ صدرالمتألهین، محمد بن ابراهیم، تفسیر القرآن الکریم، تحقیق: خواجهی، محمد، ج ۳، ص ۹۱، انتشارات بیدار، قم، چاپ دوم، ۱۳۶۶ش.
۲. مستغفری، جعفر بن محمد، و خرسان، محمد مهدی. ۱۳۶۲. طب النبی صلی الله علیه و آله و سلم. ۱ ج. نجف اشرف - عراق: الشریف الرضی، ص ۲۱.
۳. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، مرعشی، شهاب الدین، و عراقی، مجتبی. ۱۴۰۳-۱۹۸۳. عوالی اللثالی العزیزیه فی الأحادیث الدینیة. ۴ ج. قم - ایران: مؤسسه سید الشهداء (ع)، ج ۲، ص ۳۳۳.
۴. سوره مریم، آیه ۹۶.
۵. حائری، محمد بن ابی طالب، و کریم، فارس حسون. ۱۴۱۸. تسلیة المجالس و زینة المجالس الموسم ب«مقتل الحسین علیه السلام». ۲ ج. قم - ایران: مؤسسه المعارف الإسلامیة، ج ۲، ص ۳۸۸ و ۳۸۹.
۶. سوره روم، آیه ۱۰.
۷. مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام). ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۳۰، ص ۶۷۳ و ۶۷۴.
۸. دیوان حافظ، غزل شماره ۵.
۹. سوره توبه، آیه ۶.
۱۰. سوره همزه، آیه ۱.
۱۱. ابن بابویه، محمد بن علی، غفاری، علی اکبر، و غفاری، علی اکبر. ۱۳۶۳-۱۴۰۴. من لایحضره الفقیه. ۴ ج. قم - ایران: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۴، ص ۶.
۱۲. فَقَالَ يَا بُنَيَّ أَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِشَعْرِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ لَا تُعْطَى شَعْرَهَا مِنَ الرِّجَالِ وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِلِسَانِهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تُؤْذِي زَوْجَهَا وَأَمَّا الْمُعَلَّقَةُ بِثَدْيَيْهَا فَإِنَّهَا كَانَتْ تَمْتَنِعُ مِنْ فِرَاشِ زَوْجِهَا؛ ابن بابویه، محمد بن علی، و لاجوردی، مهدی. بدون تاریخ. عیون أخبار الرضا علیه السلام. ۲ ج. تهران - ایران: جهان، ج ۲، ص ۱۱.
۱۳. ابن بابویه، محمد بن علی، و غفاری، علی اکبر. ۱۴۱۶. الخصال. ۲ ج. قم - ایران: جماعه المدرسين فی الحوزة العلمیه بقم. مؤسسه النشر الإسلامی، ج ۱، ص ۱۳۹.
۱۴. سوره حجر، آیه ۶.
۱۵. سوره انبیاء، آیه ۸۰.
۱۶. با اندک تغییری؛ نَوَادِرُ الرَّاَوْنِدِيِّ، بِإِسْنَادِهِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ قَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: اسْتَأْذَنَ أَعْمَى عَلَى فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَحَجَبَتْهُ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ لَهَا لِمَ حَجَبْتِهِ وَ هُوَ لَا يَرَاكَ فَقَالَتْ عَلَيْهَا السَّلَامُ إِنْ لَمْ يَكُنْ يَرَانِي فَإِنِّي أَرَاهُ وَ هُوَ يَشُمُّ الرِّيحَ فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ أَشْهَدُ أَنَّكَ بَضْعَةٌ مِنِّي؛ مجلسی، محمدباقر بن محمد تقی، مسترحمی، هدايت الله، غفاری، علی اکبر، بهبودی، محمدباقر، مصباح یزدی، محمد تقی، محمودی، محمدباقر، خرسان، محمد مهدی، و دیگران. ۱۴۰۳. بحار الأنوار الجامعة لدرر أخبار الأئمة الأطهار (عليهم السلام). ۱۱۱ ج. بیروت - لبنان: دار إحياء التراث العربی، ج ۴۳، ص ۹۱.